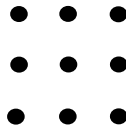


لطف خداوند ما عیسی مسیح، محبت خدا و مشارکت روح القدس با همه شما باد. آمین  
شنیده اید که گفته شد (۲ خروج ۲۴، ۲۱) "چشم در برابر چشم، دندان در مقابل دندان" اما من به شما می گویم که در برابر شر مقاومت نکنید، بلکه اگر کسی به گونه راست شما زد، آن گونه ی دیگر را جلوی او بیاورید. و اگر کسی می خواهد با تو بحث کند و گوشه ی لباست رو گرفت، بگذار او کت تو را نیز در دست داشته باشد. و اگر کسی شما را مجبور کرد که یک مایل بروی، دو مایل با او بروید. به کسی که از تو چیزی می خواهد به او ببخش و از کسی که می خواهد از تو قرض بگیرد روی بر نگردان. شما شنیده اید که گفته شده است: "همسایه خود را دوست داشته باش" (لاویان ۱۸، ۱۹) و از دشمن خود متنفر باش. اما من به شما می گویم که دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما جفا می کنند دعا کنید تا فرزندان پدر خود در آسمان باشید. زیرا خورشید هم بر شرور و هم نیکوکار طلوع می کند و بر عادل و ظالم باران می بارد. زیرا اگر کسانی را که شما را دوست دارند دوست بدارید، چه پاداشی خواهید داشت؟ آیا باجگیران هم همین کار را نمی کنند؟ و اگر فقط با برادران خود مهربان باشید، چه کار خاصی انجام می دهید؟ آیا غیریهودیان نیز همین کار را نمی کنند؟ بنابراین شما کامل خواهید بود، همانطور که پدر شما که در آسمان است کامل است. متی ۵، ۳۸ - ۴۸  
بباید دعا کنیم: پروردگارا، ای کلام اصیل، ای گنج، مرا حفظ کن. زیرا من آن را بر همه دارایی ها و بزرگترین ثروت ها ترجیح می دهم. اگر حرف تو دیگر معتبر نیست، ایمان باید بر چه چیزی تکیه کند؟ من به هزار دنیا اهمیت نمی دهم، بلکه به انجام قول تو اهمیت می دهم. هالویا، بله و آمین! پروردگارا، تو به من نگاه خواهی کرد تا بتوانم در کلام تو به نام تو ثابت قدم باشم. بگذار تا زود و دیر در خدمت تو باشم و در عین حال مانند مریم پای تو بنشینم. آمین

### اعضای گرامی کلیسا!

اگر واقعاً می خواهید آن را جدی بگیرید، سخنرانی سختی از عیسی است. این صحبت در مورد دوست داشتن دشمنان است. برخی از بزرگان تاریخ جهان می خواستند با موعظه جهان را بهبود بخشند. برای مثال گاندی او را بسیار تحسین کرد و مقاومت بدون خشونت خود را بر اساس برنامه او به نمایش گذاشت. تاثیرگذار بود. اما آیا عیسی منظورش این بود؟ گاندی با قدرت پرهیز از خشونت با دشمن بسیار قوی مقابله کرد - اما آیا او را دوست داشت؟ حتی گفته می شود که او مخالفان سیاسی خود را کشته است. آیا ادعای عیسی برای ما مسیحیان خیلی زیاد نیست؟ چه کسی می تواند به خود اجازه دهد که سیلی بر گونه ش بزنند و سپس - بدون بغض - دیگری را بیاورد؟ چه کسی می تواند بدون مطالبه حقوق خود بارها و بارها خود را تضعیف کند؟ آیا منطقی است که به خود اجازه دهید به عنوان یک مسیحی احمق شوید، تا همه به عیسی مسیح بخندند، کسی از شما اینگونه رفتارها را انجام می دهد؟ اما آیا عیسی واقعاً می خواهد با این دستورالعملها از ما آدمهای بدبخت بسازد؟ آیا موعظه روی کوه حاوی قدرت یک زندگی جدید، واقعاً قدرتمند و همه چیز نیست؟ موعظه روی کوه در مورد انجام درست است، اما مهمتر از همه در مورد رنج بی عدالتی - به منظور حفظ یا احیای جامعه است.



چگونه می توانید این ۹ نقطه را با ۴ خط به هم متصل کنید؟ این کار مانند مربع کردن دایره است، غیرممکن است - مگر اینکه من نقطه ای خارج از این نقاط داشته باشم. من باید میدان بازی را در دو جا ترک کنم و بعد درست میشود. از اینجا به بیرون، اگر این نقاط ساختگی را وارد کنم، کار می کند. این نقطه ی خارج از زندگی من و خارج از میدان بازی، روابط من با عیسی مسیح است. از نقطه نظر او دیدگاه و دید کلی جدیدی دریافت می کنم. از محبت او نسبت به خود من محبت به دیگران، از جمله دشمنان را دریافت می کنم، تا جامعه بتواند حفظ یا احیا شود. اگر از نظر ذهنی خودم را در موقعیت عیسی قرار دهم، ابتدا نگاهی به خودم می اندازم. من خودم را از چشم خدا می بینم. او آنچه را که من می توانم از دیگران پنهان کنم را می بیند. گناه من را می بیند که بارها و بارها بر گونه اش سیلی می زند. او می بیند که چگونه من به چیزهایی دست می یابم، چیزهایی را به تسخیر خودم در می آورم. او می بیند که وقتی من به بیراهه می روم چگونه او را مجبور می کنم که با من همراه شود. او می بیند که چگونه با دستان خالی ام به سمتش می آیم و التماس می کنم، با اینکه اینقدر بد بازی می کنم.

عیسی می بیند که من چگونه با اعمال و هستی خود، پیوسته ارتباط خود را با خدای زنده قطع می کنم. او می بیند که چگونه شیطان مدام مرا به زانو در می آورد و تهدید می کند که مرا شکست می دهد. عیسی همه اینها را می بیند و با انزجار از من روی گردان نمی شود. او مرا دوست دارد بله. نه با عشق افلاطونی، نه، عملاً من و تو را دوست دارد. او، عیسی مسیح، پسر خدای زنده، که مشارکتش با من همیشه گناه مرا از بین می برد، نزد من می آید و هر چیزی را که مشارکت با خدا را مختل می کند از بین می برد.

او گناه مرا بر خود می گیرد و آن را به صلیب جلجتا می برد. او بر اساس این شعار زندگی نمی کند: "همانطور که تو برای من هستی، من برای تو هستم. چشم برای چشم، دندان در مقابل دندان!" مجازات هرگز نمی تواند بزرگتر از بی عدالتی باشد. اما عیسی آنطور که شایسته من است با من رفتار نمی کند، زیرا او من و شما را فراتر از درک دوست دارد. پس او برای من و تو تبدیل به یک قربانی می شود. وقتی کتک می خورد دهانش را باز نمی کرد، مثل بره ای که به ذبح می رفت. اما ما او را نالایق ترین و حقیرترین می دانستیم. او چنان تحقیر شد که چهره های خود را از او پنهان کردند. به همین دلیل است که ما او را به عنوان هیچ، یک شکست خورده و یک قلدر می دانستیم. اما او قوی ترین کسی بود که جهان تا به حال دیده است، زیرا او اجازه نداد که شر غلبه کند، نه با آنچه گناه من با او انجام داد، بلکه او با عشق خود بر بدی من غلبه کرد. او نه تنها بارها و بارها گناهان من و شما را می بخشد، بلکه به ما قدرتی از بالا

در قدس مقدس می دهد تا بتوانیم بر شر غلبه کنیم. محبت او تو را فرزند خدا می کند. من می توانم در عشق او با خیال راحت بمانم و او نیز به نوبه خود به من قدرت می دهد تا بر بدی با خیر غلبه کنم. در اینجا، جامعه عزیز، ما پایه ای را گذاشته ایم که از آن می توانیم سخنان عیسی را درک کنیم. در اینجا ما نقطه بیرون از خود را داریم. من باید موقعیت های زندگی روزمره خود را از دیدگاه عیسی و حمایت از عشق او ببینم.

آنجا کسی را می بینم که به گونه راستم سیلی می زند، مدام به من قلدری می کند، پشت سرم حرف می زند. آیا تسلیم شدن در اینجا و پنهان شدن، خودکشی نیست؟ از دیدگاه عیسی، من ناگهان شخص دیگری را می بینم که به شیوه ای جدید مرا بسیار آزار می دهد. عیسی او را نیز به اندازه من دوست دارد. عیسی برای او نیز بر روی صلیب مرد. حالا دیگر فقط نمی پرسیم: «چگونه می توانم از خودم دفاع کنم؟»، بلکه می پرسیم: «کدام واکنش من به نفع او خواهد بود تا بتواند آرامشی را که عیسی به من داده است، او نیز بیابد؟» نه فقط از روی عصبانیت یا از روی حفظ خود. حالا من هم نگران طرف مقابلم. چگونه می توانم به او کمک کنم که بدون کشتن عیسی زندگی کند؟ چه اقدامی مناسب است که نه تنها به شر پاسخ دهد، بلکه از جنگل آنطور که به نظر می رسد بژواک کند؟ اگر بتوانم همسایه ام را از چشم عیسی ببینم، دیگر نگران این نیستم که وقتی کسی می خواهد کت من را بردارد، به هر قیمتی حق داشته باشم. البته بحث این نیست که مسیحیان ترسو شوند و اجازه استثمار و غارت خود را بدهند. اما این در مورد زندگی ما است که نشان می دهد ما چقدر با استعداد هستیم و چقدر امن هستیم و ما فقط به چیزهای مادی خیره نمی شویم، بلکه ببینیم چه چیزی برای کسانی که می خواهند به من آسیب برسانند مفید است - مانند اینکه عیسی همین کار را کرد. با توجه به من و همچنان به این کار ادامه می دهد. این در مورد این است که ما بیشتر و بیشتر یاد بگیریم که به خاطر شهادت ایمان از دارایی ها و راحتی هایی که برایمان عزیز هستیم صرف نظر کنیم. این در مورد ماست، مانند عیسی، که حاضریم از بی عدالتی رنج ببریم تا به مردم کمک کنیم تا زندگی کنند، درست همانطور که عیسی ظلمی را که ما انجام می دهیم بارها و بارها حمل می کند، حتی آن را از بین می برد، آن را از سر راه باز می کند و بنابراین از ما در زندگی محافظت می کند.

گاهی اوقات بچه های کوچک اسباب بازی های یکدیگر را می دزدند. اما این معمولاً در مورد اهمیت اسباب بازی برای آنها نیست. آنها فقط می خواهند با کودک دیگر ارتباط برقرار کنند و نمی دانند چگونه. فریاد متقابل اغلب شروع تماس مناسبی برای آنهاست. ممکن است شخصی که شما را انتخاب می کند به دنبال کمک شما باشد و نداند چگونه این کار را انجام دهد. به کسی که از شما می خواهد بدهد، زیرا از دیدگاه عیسی شما این فرصت را دارید که حتی در مورد موقعیت های گیج کننده هم دیدی کلی پیدا کنید. مجموع همه چیز این است: دشمنان خود را دوست بدارید! سخت است؟ غیر ممکن؟ یک تحمیل؟ بله، از منظر انسانی. اما عیسی همچنین من و تو را که به خاطر گناهان دشمنان خدا می شویم، دوست داشت، به طوری که او همه چیز را برای ما داد تا من و شما زندگی کنیم. او همچنین کسانی را که دشمن ما هستند دوست دارد. و عیسی مرگ گناهکار را نمی خواهد، بلکه می خواهد به خوبی تغییر کند و زنده بماند. در پیروی از او باید مدام آن را تکرار کنیم و بگذاریم او حتی به دشمنانمان محبت کند. حتی با بهترین اراده در جهان، ما نمی توانیم این کار را به تنهایی انجام دهیم. اما با کمک او می توانیم با خوبی هایی که عیسی برای ما انجام داد و اکنون از طریق ما بر دیگران، حتی بر دشمنانمان می آید، بر شر غلبه کنیم. پس پاداش ما این خواهد بود که به آهنگ شادی فرشتگان در اطراف تخت خدا ملحق شویم که بر سر هر گناهکاری که عیسی را می یابد طنین می زند.

خداوند عیسی مسیح، بارها و بارها محبت سرشارت را به ما عطا کن. آمین  
و صلح خدا که از هر فهمی برتر است، دلها و افکارشان را در خداوند ما عیسی مسیح حفظ خواهد کرد. آمین